

## آیا سیاست مبهم و مخدوش تاریخی در روابط با پاکستان پایان خواهد یافت؟

محمد اکرام اندیشمند

یکی از مشکلات بسیار بزرگ افغانستان در طول مناسبات پر فراز و نشیب با پاکستان، به عدم شفافیت و وجود ابهام و چندگانگی در سیاست دولت ها و دولت مداران افغانستان بر می گردد. حکومت ها و زمام داران افغانستان از همان آغاز تشکیل پاکستان که وارد منازعه دیورند با این کشور شدند پیوسته در روابطه و مناسبات پر تنش و پر فراز و نشیب خود با دولت پاکستان، سیاست غیر شفاف و ناروشن داشتند. دولت مداران و حاکمان افغانستان؛ از سرداران حاکم سلطنتی خانواده آل یحیی تا زمام داران و دولت مداران جمهوری های چپ دموکراتیک و جمهوری های اسلامی نوع جهادی، طالبی و جمهوری اسلامی مورد حمایت امریکا و ناتو در مورد روابط خود با پاکستان، صداقت و شفافیت نداشتند. این ها در هیچ دوره ای برای مردم افغانستان از اهداف و سیاست های خود در مورد پاکستان با شفافیت و صداقت سخن نگفتند و هیچگاه آجندا و نتایج مذاکرات خود با دولت ها و دولت مداران پاکستانی را با مردم در میان نگذاشتند.

در حالی که گفتگو و مذاکره با پاکستان به عنوان همسایه بسیار مهم و تاثیر گذار در ثبات و بی ثباتی افغانستان و به عنوان کشوری که با افغانستان مشکلات لاینحل سیاسی و تاریخی دارد باید به گفتمان ملی در داخل افغانستان تبدیل شود و دولت های افغانستان در این مورد این مذاکرات را پیوسته با صداقت و شفافیت با مردم در میان بگذارند، اما هرگز چنین اتفاقی نیافتاده است. این مشکل را می توان از همان آغاز مذاکره با جانب پاکستان در نخستین سال های تشکیل کشور پاکستان مطالعه و مشاهده کرد: از مذاکرات نجیب الله توریانا، نخستین مذاکره کننده دولت افغانستان و نماینده با صلاحیت سلطنت محمد ظاهر شاه، با محمدعلی جناح بنیانگذار پاکستان در کراچی پایتخت پیشین پاکستان و مذاکرات بعدی سردار محمد نعیم و سردار محمد داود، تا مذاکرات نورمحمد تره کی و حفیظ الله امین زمام داران چپ دموکراتیک افغانستان با جنرال ضیاءالحق در پغمان کابل، و مذاکرات یک و نیم دهه اخیر که رئیس جمهور پیشین حامد کرزی بیست بار به پاکستان رفت و رئیس جمهور غنی که دروازه های آی.اس.آی و ارتش پاکستان را در روالپندی دق الباب کرد.

تداوم ابهام و کتمان را در سیاست دولت و زمام داران افغانستان در حوادث روزهای اخیر تورخم که خون ده ها تن از نظامیان دو طرف را به زمین ریختاند به روشنی می توان مشاهده کرد. این ابهام از اعلامیه وزارت خارجه افغانستان و اظهارات سخنگوی ارگ در مورد حوادث خونین تورخم آشکار بود که در آن، از توافق مرزی میان طرفین و عدم رعایت این توافق از جانب پاکستان سخن رفت. اما دولت افغانستان در هیچ اعلامیه و بیانیه ای این توافق را برای مردم توضیح نداد و روشن نکرد. این در حالی بود که پاکستانی ها به صراحت از توافقات قبلی میان دو طرف بر سر احداث تاسیسات مرزی سخن گفتند و روزنامه های پاکستانی توافق میان طرفین را در نوامبر 2014 مبنی بر احداث ساختمان مناسب و تنظیم هشت گذرگاه

مرزی به شمول سپین بولدک و تورخم منتشر کردند. بر مبنای این توافق بود که کار ساخت و ساز موانع مرزی در مناطق هموار ایالت بلوچستان به شمول گذرگاه چمن از دو نیم سال قبل آغاز گردید. وقتی پاکستانی ها در روزهای اخیر به اعمار ساختمان جدید در سرحد تورخم دست زدند و آغاز این تاسیسات در مذاکره میان عمر زاخیل وال سفیر افغانستان در اسلام آباد با طرف های پاکستانی به شمول راحیل شریف فرمانده ارتش مورد بحث و توافق مجدد قرار گرفته بود، نظامیان سرحدی افغانستان با توسل به اسلحه در صدد ممانعت از ساخت و ساز این تاسیسات بر آمدند که منجر به جنگ اخیر تورخم شد. نکته مهم و قابل تامل در این بحث، به عدم شفافیت دولت افغانستان بر سر مذاکرات و توافقات با پاکستان بر می گردد. ابهام و کتمان در سیاست همیشگی دولت مداران افغانستان سقم و صحت ادعای پاکستانی ها را دشوار می سازد.

حالا پس از یک جنگ خونین در تورخم، دو طرف به مذاکره و تفاهم باز می گردند. قرار است که ریاست مذاکره افغانستان را در اسلام آباد حکمت کرزی معین سیاسی وزارت خارجه بدوش داشته باشد. اما پرسش اصلی این است که آیا دولت و دولت مداران افغانستان حاضر استند تا به سیاست مبهم و غیر شفاف خود با پاکستانی ها پایان دهند و قبل از همه در اینگونه مذاکرات با مردم خود صادق باشند که با پاکستانی ها چه می گویند، از پاکستانی ها چه می خواهند و پاکستان از آن ها چه می خواهد؟

آیا دولت و دولت مداران افغانستان حاضر استند تا سیاست و رابطه خود را با پاکستان به گفتمان ملی در داخل افغانستان تبدیل کنند و در یک توافق و اجماع ملی این سیاست و رابطه را تنظیم کنند؟